



Handwritten Arabic text on a piece of paper, including a blue stamp with the word "شاه" (Shah) and "نور" (Nour).

به نام او

نام کتاب: دومین مکتوب
نام نویسنده: پائولو کوئلیو
نام انتشارات: کاروان
مترجم:
تعداد صفحات: ۱۵۷
آرش حجازی
صفحه

در حقیقت این کتاب جلد دوم و در راستای کتاب مکتوب می باشد. دومین مکتوب شامل ۱۰۰ مکتوب یا عنوان می باشد که هر کدام موضوع کاملاً مجزایی دارد و معمولاً نقل قول از انسان های مشهور و یا ماجرا یا خاطره ای شخصی از نویسنده می باشد. در هر عنوان که مربوط به نقل قول از افراد دیگری بوده در زیرنویس همان صفحه عکس و بیوگرافی آن فرد آورده شده است تا به خواننده معرفی گردد. به این ترتیب با خواندن این صفحات از کتاب هم موضوع خاصی را می خوانید و هم با انسانی جدید آشنا می شوید. با خواندن هر عنوان نیاز به کمی تامل و تفکر خواهید داشت و اینطور نیست که بتوانید به راحتی از یک عنوان به عنوان دیگر بروید. دوست دارید روی هر موضوع خوانده شده کمی تمرکز داشته باشید و بیشتر بیندیشید.

برای نمونه در یکی از عناوین به نام " چای " از زبان نویسنده می خوانیم که: یک بار در ژاپن، در مراسم چای مشهور شرکت کردم. وارد یک اتاق کوچک می شویم و در آن، فقط چای عرضه می گردد و نه چیز دیگر. اما همه کار با چنان مراسم و تشریفاتی انجام می گیرد که یک تمرین روزانه، به یک لحظه رابطه با کیهان تبدیل می گردد. استاد چای، " اوکاکوساکاسوکو " آن چه را که رخ می دهد، چنین توضیح می دهد: " این مراسم، ستایش زیبایی و سادگی ست. استاد تمام نیروهای خود را در تلاشی برای دست یابی به کمال از راه رفتارهای ناکامل زندگی روزمره متمرکز می سازد. سراسر زیبایی این مراسم، در محترم شمردن آن چه تحقق یافته است، خلاصه می شود. " اگر فقط یک گردهم آیی برای نوشیدن چای می تواند ما را به سوی خداوند ببرد، پس چه بگوییم از فرصت های دیگری که هر روز برای ما ایجاد می شوند و متوجه آن ها نمی شویم؟.

در مکتوب دیگری به نام " عرفان " اینطور می خوانید: این متن از لئوناردو بوف است: رسیدن به خداوند، با او بودن در تمامی ابعاد زندگی ست، نه فقط در شرایط ممتازی هم چون لحظات ارتباط با خدا یا نیایش. همواره باید خداوند را تجربه کرد- به هنگام قدم زدن در جاده، تنفس هوای آلوده، به هنگام شادی، نوشیدن یک نوشابه، به هنگام تلاش برای فهمیدن متنی که در حال مطالعه اش هستیم- خداوند در همه ی این ها آمیخته است؛ و هر موقعیتی برای درک او و گفتن این که: خدا با ماست، کافی می باشد. " کلید عرفان " تلاش

برای دیدن آن چیزی ست که در پشت هر چیز نهفته است، که پایداری و مقاومت است؛ باز نایستادن در سطح، و هر چیز را یک نماد، یک نشانه، یک آیین، یک نگاره دانستن است. برای کسی که خداوند را تجربه می کند، جهان یک پیام عظیم است.

در عنوان "**استحاله**" می خوانید: مراقب باشید، چون نمادها می توانند به دامی تبدیل شوند. داستان کتاب "سرودی برای لیبوویتز" در آینده ای دور، هزار سال پس از نابود شدن تمدن کنونی رخ می دهد. مردمان آن روزگار، سیم های قدیمی کامپیوتر را به دور گردن خود می آویزند چون بنا به یک سنت، حمل کردن این سیم ها با خود، دانش می آورد. خورخه لوییز بورخس نیز از مسخ نمادها سخن می گوید: صلیب، که وسیله ای برای شکنجه بوده است، به نشان ایمان تبدیل شده است. پیکان کُشنده، اینک تنها راه را نشان می دهد. در یکی از افسانه های زن، داستان استادی آمده است که همواره دستور می داد گربه اش را، که مزاحم مراقبه ی شاگردانش می شد، محکم ببندند. زمان گذشت، استاد درگذشت. گربه نیز مرد، و گربه ای دیگر آوردند. صد سال بعد، یک نفر رساله ای معتبر درباره ی اهمیت بستن گربه به هنگام مراقبه نوشت.

همینطور در عنوان "**طریقت**" با ده مرتبه ی طریقت روح آشنا خواهید شد. نیز، در عنوان "**مجراسازی**" ، در مورد فرآیند مجراسازی تکنیکی می آموزید.

امیدوارم که با خواندن این کتاب، با افکار و دیدگاه های جدید، خود را به چالش کشیده و با نگاهی نو به جهان که لحظه به لحظه در حال نو شدن می باشد، بنگرید.

موفق و کامروا باشید.